

چرا امام حسین(ع) با علم به شهادت، قیام کرد؟

<?xml encoding="UTF-8">

چرا کسی که می‌داند کشته خواهد شد، به میدان می‌رود؟ چگونه ممکن است مرگی آگاهانه، مبدأ حیات یک امت شود؟ این پرسش، کلید فهم بزرگ‌ترین حادثه تاریخ اسلام است؛ قیام حسینی، تصمیمی برخاسته از عقل، ایمان و رسالت الهی بود.

شهادت‌طلبی امام حسین(ع) نه یک تصمیم احساسی و آنی، بلکه حرکتی از پیش آگاهانه و مبتنی بر بصیرت عمیق بود. برای فهم این حقیقت، باید به چند محور کلیدی در انگیزه‌ها و اهداف نهضت عاشورا توجه کرد. این مقاله می‌کوشد با زبانی رسانه‌ای، اما متکی بر منابع شیعه، پاسخی روشن به این پرسش بدهد که چرا امام حسین(ع) با علم به شهادت، قیام کرد؟

۱. آگاهی امام از شهادت، یک واقعیت مسلم

بر اساس عقیده شیعه، امامان معصوم(ع) از علم لدنی و الهی برخوردارند. این علم شامل آگاهی از آینده، از جمله شهادت خودشان است. روایت‌های متعدد از پیامبر اکرم(ص) درباره شهادت امام حسین(ع) در منابع معتبر آمده است؛ از جمله زمانی که پیامبر(ص) در آغوش گرفتن حسین(ع) گریست و فرمود: «حسینم را اتم خواهند کشت.» [1]

خود امام حسین(ع) نیز پیش از حرکت از مدینه، بارها به یاران و اهل‌بیت خود فرمودند که به سوی شهادت می‌روند، نه پیروزی ظاهری. در یکی از سخنان‌شان خطاب به برادرشان محمد بن حنفیه گفتند: «چنان نیست که من برای خوش‌گذرانی یا فساد حرکت کنم، بلکه برای اصلاح امت جدم خارج می‌شوم.» [2]

۲. حفظ دین، حتی به قیمت خون

امام حسین(ع) نه برای پیروزی نظامی، بلکه برای حفظ اساس دین قیام کرد. در دورانی که یزید بن معاویه در حال تحریف اسلام و نابودی ارزش‌ها بود، سکوت امام به معنای تأیید ظلم بود. بنابراین، امام با علم به شهادت، وظیفه الهی خود را در زنده نگه داشتن دین می‌دانست. ایشان فرمودند: «اگر دین محمد(ص) جز با کشتن من برپا نمی‌ماند، ای شمشیرها، مرا در آغوش گیرید.» [3]

در این بیان، رسالت حسینی روشن است: احیای امر به معروف، نهی از منکر و نجات اسلام از انحراف.

۳. قیام برای وجدان تاریخ

شهادت امام حسین(ع) تنها برای اصلاح جامعه زمان خود نبود؛ بلکه پیام آن برای همه تاریخ است. این قیام یک «تاریخ‌سازی آگاهانه» بود؛ امام(ع) می‌دانست خون پاکش بذر آگاهی در دل‌ها خواهد شد. پس از عاشورا، خطبه‌های حضرت زینب(س) و امام سجاد(ع) در شام و کوفه، به روشنی نشان داد که پیام عاشورا شنیده شده و

اثرگذار بوده است. این بیداری تا امروز ادامه دارد.

۴. الگوسازی برای مبارزه با ظلم

امام حسین(ع) با شهادت خود، یک «الگوی جاودان» برای ایستادگی در برابر ظلم ایجاد کرد. ایشان می‌دانست که پیروزی ظاهری در برابر قدرت نظامی یزید ممکن نیست، اما می‌توان با شهادت، مشروعیت آن حکومت را در هم کوبید. به تعبیر شهید مطهری، حسین(ع) کشته نشد تا شکست بخورد، بلکه کشته شد تا «اسلام شکست نخورد».[4]

از آن پس، هر قیام آزادی‌خواهانه‌ای در جهان، وامدار عاشورا شد.

۵. انتخاب بین ذلت و شهادت

امام حسین(ع) در کلامی تاریخی، مسیر خود را چنین توصیف کرد: «هیهات منّا الذله!»[5] یعنی: دور باد از ما ذلت. او راهی جز دو گزینه نداشت: بیعت با یزید شرابخوار و فاسق، یا مرگ عزتمندانه. او عزت را انتخاب کرد. این جمله، به نماد قیام تبدیل شد؛ شعاری که وجدان آزادگان جهان را تا امروز به لرزه درمی‌آورد.

امام حسین(ع) با علم به شهادت، به میدان آمد، چون شهادتش زنده‌تر از زندگی بود. او با خون خود، دینی را نجات داد، ملتی را بیدار کرد و الگویی همیشگی برای آزادگی ساخت. فهم این حقیقت، تنها از طریق عقل و منطق نیست، بلکه دل باید آن را درک کند. عاشورا، یک دعوت‌نامه است؛ دعوتی به ایستادگی، آگاهی و ایمان